

محدثه آدمیان، استاد خط شکسته نستعلیق
از ریشه علاقه اش به خوش نویسی می گوید

۵۴

عاشق حرف «و» شدم



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

مرتضی رهروان خاطرات شیرینی
از قد کشیدن در خیابان اُحد ۷ دارد

غوطه خوری در محله پروین

۶



اهالی محله زارعین از ۵ سال پیش
مطالبه مشترکی دارند
احیای نام «ایوان»

نوجوان محله امام خمینی (ره)
از علت علاقه اش به حفظ قرآن می گوید
شیفته قصه های پدر



اهالی محله زارعین از ۵ سال پیش
مطالبه مشترکی دارند

احیای نام «ایوان»

هم قدم

۷

سمیرا منشادی در ۲۸ فروردین ۱۴۰۳ شهرآرامحله گزارشی با نام «ایوان برگردد» منتشر کرد که موضوع آن درخواست اعضای شورای اجتماعی برای بازگرداندن نام قدیمی محله بود. محله‌ای که از دهه ۶۰ جزو محدوده شهری قرار گرفته و از همان سال‌ها، به دلیل وجود ایوان تاریخی طرق، در بین اهالی با نام «ایوان» یا «ایوان طرق» از آن یاد شده است، اما از اواخر سال ۱۳۹۹ این نام قدیمی و پرکاربرد بین اهالی، در اسناد رسمی به «زارعین» تغییر پیدا کرد.

با این حال، تا به امروز کمتر کسی این محله را با نام زارعین خطاب می‌کند و بیشتر اهالی همچنان آن را با همان نام ایوان طرق می‌شناسند. نامی که اهالی محله و اعضای شورای اجتماعی درخواست دارند بار دیگر به عنوان نام رسمی محله ثبت شود.

● زنده نگهداشتن هویت ایوان طرق

رقیه خواجه بامری از قدیمی‌های این محله است و با خانواده‌اش از دهه ۵۰ در این منطقه ساکن هستند. او درباره نام محله می‌گوید: آن سال‌ها که از شهرستان برای خرید منزلمان آمده بودیم، محله ایوان طرق نام داشت. در تمام این سال‌ها نیز، چه در میان قدیمی‌ها و چه ساکنان جدید، همه این محله را با این نام می‌شناسند.

رقیه خانم می‌افزاید: حتی در این چند سال اخیر که نام محله به زارعین تغییر کرد، در آدرس‌های پستی و نرم‌افزار نشان، محله به نام ایوان است و تغییری نکرده است.

خواجه بامری ادامه می‌دهد: از مسئولان می‌خواهیم نام قدیمی محله مان دوباره برگردانده شود تا هویت این محله با تکرار اسم آن در بین مردم زنده بماند.

حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی طالبی، یکی از فعالان فرهنگی محله درباره این موضوع می‌گوید: در دوره گذشته، با توجه به مصوبه‌ای که داشتیم، پیگیری کردیم تا نام محله را تغییر دهیم، اما نتیجه‌ای نگرفتیم.

او که حالا نایب رئیس شورای اجتماعی محله زارعین است، می‌افزاید: نام محله مابدون اطلاع ساکنان و هم‌فکری با آن‌ها به زارعین تغییر کرد، در حالی که تا قبل از آن هیچ صحبتی درباره تغییر نام محله وجود نداشت.

او ادامه می‌دهد: پس از پیگیری‌ها گفتند می‌توانید نام یک بولوار در محله تان را از شهید رجایی به بولوار ایوان طرق تغییر بدهید، اما با توجه به اینکه اهالی سال‌هاست این بولوار را با همین نام می‌شناسند، برای تغییر آن اقدام نکردیم.

طالبی بیان می‌کند: بارها به مسئولان نیز یادآور شده‌ایم که اسم محله یادآور هویت آن است. درست مانند دیگر محله‌های قدیمی که نامشان نشانی از تاریخ و هویت محله است. بنابراین می‌خواهیم بازنده کردن

اسم ایوان، هویت محله مان حفظ شود.

● تغییر نام، درخواست اهالی نبود

رئیس کنونی شورای اجتماعی محله زارعین نیز با تأکید بر اینکه نام محله بدون نظرخواهی از مردم تغییر کرده است، می‌گوید: حتی درخواست اعضای شورای اجتماعی نیز تغییر نام نبود.

غلامرضا تقوی می‌افزاید: نام زارعین بیشتر در مکاتباتی اداری استفاده می‌شود و اهالی محله در محاوره روزمره‌شان همچنان از نام ایوان طرق استفاده می‌کنند. بسیاری مواقع وقتی در آدرس می‌گوییم زارعین، مخاطب می‌پرسد: کجا؟ اما زمانی که می‌گوییم ایوان طرق، محله را می‌شناسند.

او درباره دلیل نام‌گذاری جدید توضیح می‌دهد: اینکه چرا نام محله را زارعین گذاشته‌اند می‌تواند به این موضوع برگردد که در گذشته این بخش از طرق منطقه‌ای کشاورزی بوده و اهالی آن زارع بوده‌اند. او اضافه می‌کند: در دوره جدید شورای اجتماعی محله زارعین مصوبه‌ای برای تغییر نام محله نداشته‌ایم، اما قصد داریم آن را مطرح و پیگیری کنیم.

● تغییر نام امکان‌پذیر است

رئیس اداره شوراهای اجتماعی محلات درباره امکان تغییر نام می‌گوید: از اعضای شورای اجتماعی می‌خواهیم درخواست تغییر نام را در یکی از جلساتشان تا پایان سال به تصویب برسانند. بابت درخواست و ارجاع آن به کمیته فرهنگی و سپس شورای شهر، می‌توان موضوع را به صورت رسمی پیگیری کرد.

ناصر فهیمی با بیان اینکه تغییر نام محله امکان‌پذیر است، می‌افزاید: روند تغییر نام طولانی و زمان‌بر است، اما در صورت پیگیری اعضای شورای اجتماعی، این تغییر نام شدنی است و می‌توان امیدوار بود تا پایان سال شاهد بازگشت نام قدیمی ایوان طرق باشیم.

سفیران دوام‌ثامن به دانش‌آموزان، مواجهه درست با زلزله را آموزش دادند

کارگاهی برای نجات جان

کارگاه آموزشی «پناه‌گیری، خروج اضطراری و مانور زلزله» در دبستان پسرانه امامت واقع در خیابان قائم ۱۰ محله المهدی (عج) برگزار شد.

سفیران دوام‌ثامن منطقه ۸، در این کارگاه آموزشی به هشتصد دانش‌آموز یاد دادند چطور در لحظات بحرانی زلزله بتوانند جان خود و دوستانشان را نجات دهند. در این کارگاه، دانش‌آموزان با اصول ایمنی، رفتار صحیح هنگام وقوع زلزله و... آشنا شدند. این برنامه با بخش‌های عملی و فرصت تمرین واکنش صحیح در زمان بحران برای دانش‌آموزان همراه بود.



تعزیه خوانی در مسجد قمر بنی هاشم (ع)

به همت گروه محبان حضرت زهرا (س)، مراسم تعزیه خوانی وفات حضرت ام‌البنین (س) در مسجد قمر بنی هاشم (ع) در بولوار شهید اصلانی ۸۷ محله بهارستان برگزار شد. این مراسم با همکاری پایگاه مقاومت بسیج شهید صیاد شیرازی اجرا شد. در این تعزیه خوانی، مرثیه سرایی، بازخوانی روایات تاریخی و اجرای آیینی گروه محبان حضرت زهرا (س) حال و هوایی معنوی به محله بخشید.

تکریم خانواده‌های شهدا در مسجد امام زمان (عج)

آیین تجلیل و تکریم خانواده‌های شهدا در مسجد امام زمان (عج) محله خلیج برگزار شد. در این برنامه که به همت پایگاه شهید همت، حوزه یک‌کمیل، پایگاه فاطمه الزهرا (س) و حوزه یک‌نجمه با حضور مادران و خواهران شهید و جمعی از اهالی همراه برپا شد، راوی دفاع مقدس به بیان خاطرات و نقش مادران شهدا پرداخت.

بهره‌برداری از «صبا» در میلاد حضرت زهرا (س)

بوستان «شهربانوی صبا»، ویژه بانوان، هم‌زمان با میلاد حضرت فاطمه زهرا (س) در شهرک ابودربه بهره‌برداری می‌رسد. این فضایی از مطالبات اصلی بانوان بود که اکنون در آستانه تحقق قرار دارد. برآورد اولیه هزینه تکمیل و مناسب‌سازی این بوستان حدود ۷۰ میلیارد تومان است.

شهر خبر

۷

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۱۰۴۵۹۵۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.



توزیع مهربانی بسیجی های «نامجو»

پایگاه بسیج شهید نامجو در اقدامی حمایتی برای نیمه دوم سال تحصیلی، بسته های لوازم التحریر ویژه دانش آموزان خانواده های نیازمند تهیه کرد تا در یکی از مدارس حاشیه شهر توزیع شود. این عمل خیر با کمک های نقدی اهالی محله امام رضا (ع) و همراهی چند دانش آموز که وسایل نوی خود را اهدا کردند، انجام شد. در مجموع دوازده بسته آماده شد که شامل دفتر، جامدادی، خودکار، خطکش و چند قلم لوازم مورد نیاز دیگر بود.



مرور خاطرات کودکی شهید قدرتی

نجمه موسوی زاده جمعی از بسیجیان و نمازگزاران مسجد الرسول (ص) به دیدار مادر شهید مجید قدرتی ساکن محله امام خمینی (ره) رفتند و خاطراتی از دوران کودکی فرزندش را شنیدند.

مجدید قدرتی متولد ۱۳۴۴ در مشهد بود و در شانزده سالگی همراه پدرش عازم جبهه شد. او در سال ۱۳۶۴ در حال تعقیب گروهک کومله در مریوان به شهادت رسید. پیکر او مطابق وصیتش در گلستان شهدای بشرویه به خاک سپرده شد.

غبارروبی مسجد برای میلاد بانوی دو عالم

در آستانه میلاد حضرت فاطمه (س)، مسجد حضرت ابوالفضل (ع) در محله شهید بهشتی با مشارکت اهالی، حال و هوایی تازه پیدا کرد. در این برنامه، فرش های مسجد به طور کامل شسته و با کمک نمازگزاران، به ویژه نوجوانان محله، دوباره در صحن و شبستان پهن شد. هزینه های این کار از محل امورات مسجد و همراهی خیران تأمین شد تا فضای مسجد برای برگزاری مراسم مذهبی آماده باشد.



تولدبازی در جلسه شورای اجتماعی

رؤسای شورای اجتماعی محلات منطقه ۸ با خرید یک کیک تولد، حسین نعمتی زاده، دبیر شورا را در محل جلسه غافلگیر کردند. این مراسم کوچک اما صمیمی، بهانه ای بود تا اعضای شورا قدر دانی خود را از تلاش های او نشان دهند. روابط گرم و همکاری نزدیک میان اعضای شورا و معاونت فرهنگی شهرداری منطقه ۸ فضایی شبیه یک خانواده ایجاد کرده است و چنین لحظاتی، پیوندشان را محکم تر می کند.



جشنواره پاییزی در بوستان شهربانوی کوهسنگی

جشنواره پاییزی بوستان شهربانوی کوهسنگی از ۱۵ تا ۲۰ آذر دایر است. این فضا با معابر پاییزی و برگ های رنگارنگ درختان، المان های دیدنی و قاب های زیبا برای عکاسی باعث جذب بانوان برای رفتن به این جشنواره شده و فرصتی است برای قدم زدن و ثبت لحظه های پاییزی به همراه عکاسی در این فضای پاییزی.

آماده باش برای روزهای سرد پاییز

در راستای خدمت رسانی به شهروندان، شهرداری منطقه ۸ برای بارندگی، کاملاً آماده است. نیروهای خدمات شهری در سه شیفت کاری آماده فعالیت هستند. یک دستگاه نیشان کمپرسی، دودستگاه خاور کمپرسی، یک دستگاه تراکتور، یک دستگاه خاور، یک دستگاه تانکر چند منظوره، یک دستگاه پمپ خودمکش و... در شرایط بحرانی به کار گرفته می شوند.

زیباسازی تقاطع غیرهمسطح انقلاب

پروژه ۲۱ هزار مترمربعی احداث فضای سبز در محدوده تقاطع غیرهمسطح انقلاب در حال حاضر پنجاه درصد پیشرفت دارد. خاک برداری، لوله گذاری شبکه آبیاری، خاکریزی به پایان رسیده است. در این عملیات، هزاران اصله درخت از جمله گونه های توت، سرو، نقره ای و درختچه هایی مانند ارغوان، توری، طاووسی کاشته خواهد شد.



شهر خبر



گل هایی با گونه های کم آب در منطقه ۸ کاشته می شود

مصرف بهینه آب در بزرگراه شهید سلیمانی

نجمه موسوی زاده با ادامه سیاست های مدیریت مصرف آب در فضای سبز شهری، یکی از آیلند های شهری این روزها در حال اصلاح و نوسازی گونه های گیاهی است؛ اقدامی که قرار است در کاهش مصرف آب مؤثر باشد و رسیدگی به فضای سبز را برای نیروهای باغبان کم زحمت تر کند. این طرح در آیلند میانی بزرگراه شهید سلیمانی، حد فاصل میدان حافظ تا تقاطع جهاد سازندگی در حال اجراست.

رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸ با اعلام این خبر توضیح داد: این پروژه در مساحتی حدود ۲۶ هزار مترمربع انجام می شود. در مرحله نخست، چمن های پرمصرف حذف شده و مسیری برای رفت و آمد و دسترسی آسان باغبان ایجاد می شود. تا نگهداری آیلند اصولی تر و مداوم تر پیش برود. سید محمود ثریایی افزود: در ادامه، گونه های مقاوم جایگزین پوشش گیاهی گذشته خواهند شد؛ گونه هایی مانند ارغوان، آترپلکس، ژونی پروس، رزماری و ابریشم مصری که هم با اقلیم مشهد سازگارند و هم به طور چشمگیری مصرف آب را کاهش می دهند. این تغییرات قرار است ترکیبی تازه و پایدارتر در سیمای سبز این بزرگراه ایجاد کند.

محدثه آدمیان، استاد خط شکسته نستعلیق
از ریشه علاقه‌اش به خوش‌نویسی می‌گوید

خط خوش خانم معلم

نقطه آغاز علاقه محدثه به خوش‌نویسی به ۳۲ سال پیش برمی‌گردد. زمانی که دید معلم خوش‌نویسی پایه اول راهنمایی او، چطور کلمه «تو» را با گچ روی تخته می‌نویسد. خط محدثه آن زمان معمولی بود؛ نه بد خط بود و نه آن قدر تحریری می‌نوشت که همه را مجذوب کند. اما حضور آن معلم کافی بود تا دل در گرو خوش‌نویسی دهد.

محدثه تعریف می‌کند: در حقیقت عاشق آن حرف «و» شدم که معلم خیلی زیبایی نوشت. تمام تمرکز را گذاشتم تا نه فقط با قلم نی، بلکه با خودکار نیز همان قدر زیبا و مانند او بنویسم. همین علاقه باعث شد هر روز در خانه، یک برگه سفید مقابلش بگذارد و چند سطر با قلم نی بنویسد. دو سال بعد، بنا به تصمیم پدرش، از تهران به مشهد مهاجرت کردند و دیگر آن معلم خوش‌نویسی را ندید؛ «علاقه‌ای که آن معلم در من زنده کرده بود هنوز با من بود و نمی‌توانستم از آن چشم‌پوشی کنم. به ویژه وقتی می‌دیدم خطم نسبت به هم‌کلاسی‌هایم در مشهد بهتر است. همان موقع از خانواده‌ام خواستم مراد در کلاس خوش‌نویسی ثبت‌نام کنند. اما آن‌ها تصور می‌کردند هیچانی زودگذر سراغم آمده است و زود فراموش می‌کنم.»

وقتی به پیش‌دانشگاهی رسید، اصرارش برای شرکت در کلاس خوش‌نویسی بیشتر شد. با وجودی که آن سال برایش سرنوشت‌ساز بود و باید خودش را برای کنکور آماده می‌کرد، از تصمیم قلبش می‌خواست در هفته، ساعتی را برای علاقه‌اش وقت بگذارد؛ «اول خانواده‌ام می‌گفتند: کنکور را بده. در دانشگاه که قبول شدی بعد به کلاس خوش‌نویسی برو. اما من پاپی را در یک کفش کرده بودم که می‌توانم هم برای کنکور درس بخوانم و هم برای علاقه‌ام وقت بگذارم.»

کنکور و هنر، ۲ مسیر موازی

روزی پدر محدثه با یک برگه تبلیغاتی کلاس‌های انجمن خوش‌نویسان مشهد به خانه آمد. برگه را به او نشان داد: «همان‌طور که برگه را با دقت می‌خواندم، روبه‌پدرم گفتم: شما که این برگه را آورده‌اید، مراد در کلاس ثبت‌نام کنید! و همان‌طور هم شد؛ پدرم مراتب نام کرد. به نظرم رسیدن آن برگه به دست پدرم تصادفی نبود و بخشی از تقدیر زندگی‌ام بود.»

برای محدثه، بین خواندن کتاب‌های کمک‌آموزشی و تست زدن برای کنکور، حضور در کلاس خوش‌نویسی مانند یک زنگ تفریح دل‌نشین بود: «همان تمرین‌ها و شنیدن صدای قلم‌نی روی کاغذ و دیدن «تو»‌هایی که شبیه خط معلم می‌شد، به من انرژی مضاعفی می‌داد تا بهتر درس بخوانم.»

محدثه در رشته اقتصاد بازرگانی دانشگاه با هنر کرمان پذیرفته شد و برای چهار سال از مشهد به کرمان رفت. همان ابتدای حضورش در شهر جدید، بی‌درنگ در کلاس خوش‌نویسی ثبت‌نام کرد؛ نمی‌خواست آن شعله تازه علاقه‌اش خاموش شود؛ «کلاس‌های انجمن خوش‌نویسان در کرمان بایرنامه‌های دانشگاه گاهی تداخل داشت، و برگزاردن کلاس‌ها محدودتر بود. اما برای من کافی بود تا با تمرین و ممارست، مسیرم را ادامه دهم.»

عاشق حرف «و» شدم



نجمه موسوی‌زاده قلم‌نی‌های ریز و درشت، در چند جاقلمی روی میز چوبی کنار هم ردیف شده‌اند و زیر نور ملایم چراغ مطالعه، جلوه‌ای آرام و دل‌نشین پیدا کرده‌اند. گلدان سبزی که گوشه میز جا خوش کرده، حال و هوای اتاق را زنده‌تر کرده است. سکوت اتاق و تمرکز محدثه هنگام حرکت دادن قلم روی کاغذ، آرامش در فضا ایجاد کرده است؛ انگار زمان هم برای او دست‌نگه داشته است و همه چیز حول هنر و دقت او می‌چرخد.

محدثه آدمیان چهل و سه ساله و متولد تهران، نخستین بانویی است که دو سال پیش در شرق کشور توانسته مدرک استادی خط شکسته نستعلیق را دریافت کند. بانویی از محله جنت که هجده سال سابقه تدریس در انجمن خوش‌نویسان مشهد و مرکز آموزش‌های فرهنگی دانشگاه فردوسی را در کارنامه دارد.

او در این سال‌ها نه تنها شیوه و ظرافت خط را به هنرجویان آموخته، بلکه تلاش کرده روح و جهان‌بینی نهفته در خوش‌نویسی ایرانی را نیز به نسل جوان منتقل کند؛ اینکه هر حرکت قلم می‌تواند تمرینی برای صبر، نظم و آرامش درونی باشد. تجربه و مهارتش امروز او را به یکی از چهره‌های اثرگذار در آموزش خط شکسته در مشهد تبدیل کرده است.





آدمیان، الگویی الهام بخش برای هنرمندان

علی اکبر رضوانی، استاد خط شکسته محدثه، درباره او می گوید: حدود بیست سال است که محدثه آدمیان را می شناسم و همیشه شاهد پیشرفت او در هنر قدسی خوش نویسی بوده ام. بانویی هنرمند که جایگاه ویژه ای در میان بانوان شکسته نویس دارد.

او ادامه می دهد: آدمیان نه تنها خوش نویس توانمندی است، بلکه خوب می اندیشد و اخلاق نیکویی دارد. تلاش، پشتکار و پیشرفت این بانوی هنرمند در طول سال ها بسیار چشمگیر بوده و می تواند الگویی الهام بخش برای هنرمندانی باشد که در مسیر خوش نویسی قرار می گیرند. استاد رضوانی می افزاید: محدثه که استاد خوش نویسی است، شخصیتی متواضع دارد که باعث می شود هنرجویان با انگیزه و علاقه زیاد مسیر یادگیری را ادامه دهند. بی شک تأثیر او در پیشرفت هنر خوش نویسی در شرق کشور شایان توجه است.

شاگردی او باعث افتخارم است

سیماروشن، یکی از هنرجویان محدثه، از سال ۹۶ یادگیری خوش نویسی را زیر نظر او آغاز کرده است. سیمای می گوید: دو سال در کانون فرهنگی دانشگاه فردوسی و بعد از آن، به صورت ناپیوسته، در انجمن خوش نویسان مشهد هنرجوی استاد آدمیان بودم.

او ادامه می دهد: استاد آدمیان آن قدر دلسوز و مهربان است که شخصیتش شما را جذب هنر خوش نویسی می کند. فردی بدون ادعا و در عین حال بسیار حرفه ای که حتی اگر هنرجوی او نباشید، دلتان می خواهد در کنارش بنشینید و هنگام خوش نویسی از دیدن خط زیبایش لذت ببرید. سیمای که از ابتدا تا دوره ممتازی، شاگرد محدثه بوده، است، توضیح می دهد: باعث افتخارم است که بگویم هنرجوی او هستم و اگر تا این مرحله پیش آمده ام، همه به دلیل تشویق ها و تأثیری است که او روی من گذاشته است.

تدریس، تجربه ای شیرین و ماندگار

چند ماه بعد، محدثه فهمید انجمن خوش نویسان به دنبال مدرس خط نستعلیق است و برای این منظور آزمون برگزار می کند: «انجمن سه مدرس می خواست. به دلیل علاقه زیادم در آزمون شرکت کردم و توانستم نفر اول شوم.»

تدریس برای او رنگ و بوی دیگری داشت؛ حالا افرادی مقابلش می نشستند که مانند خودش تشنه یادگیری بودند: «سن هنرجویان متفاوت بود؛ از نوجوان تا بزرگسال، اما همه یک نقطه مشترک با من داشتند: شیفته یادگیری بودند. حالا من هم هنرجوی استاد رضوانی بودم و هم مدرس کسانی که علاقه مند به خوش نویسی بودند، و در هر دو حیطه باید وظایفم را درست انجام می دادم.»

همین موقع بود که از سوی مرکز فرهنگی دانشگاه فردوسی نیز برای تدریس خوش نویسی دعوت شد: «در انجمن خوش نویسان یا کانون فرهنگی دانشگاه فقط یک یا دو روز مشغول بودم و مابقی وقتم به تمرین برای خودم می گذشت.» در این میان، برخی افراد از طریق دوست و آشنا به محدثه معرفی می شدند تا به شکل خصوصی آموزش ببینند: «برخی به دلیل مشغله های کاری یا زندگی، فرصت حضور در کلاس را نداشتند و من برای آن هادر خانه خودم به صورت کلاس خصوصی تدریس می کردم. همین موضوع باعث شد با یک پیشنهاد ویژه مواجه شوم.»

یکی از هنرجویان محدثه، بعد از چند جلسه، پیشنهادی به او داد تا در شرکت آن ها به عنوان حسابدار مشغول به کار شود. محدثه می گوید: علاقه ام به خوش نویسی، تدریس خصوصی و فعالیت در انجمن بسیار زیاد بود، اما همان طور که می دانیم هنر منبع درآمد زیادی ندارد. وقتی این پیشنهاد را شنیدم، بسیار خوشحال شدم و پذیرفتم.»

رسیدن به قله های موفقیت

سال هایی پس از دیگری گذشت و محدثه هم زمان با تدریس، در کلاس های استاد رضوانی نیز شرکت می کرد. او دو سال پیش موفق شد مدرک استادی خط شکسته نستعلیق را دریافت کند. با اینکه اولین بانویی است در شرق کشور که توانسته مدرک استادی خط شکسته نستعلیق را کسب کند، بسیار فروتن است و با همان تواضع می گوید: خوش نویسان بسیار خوبی در شهر داریم که سخت تلاش می کنند و به زودی استادان دیگری نیز در این رشته خواهیم داشت.

محدثه تاکنون در بیش از ۲۵ نمایشگاه گروهی شرکت کرده و دو نمایشگاه انفرادی در نگارخانه های رضوان و سروش برگزار کرده است. همچنین دو سال پیاپی در سال های ۹۲ و ۹۳، لوح تقدیر جشنواره خوش نویسی رضوی را دریافت کرده است.

خوش نویسی برای او همیشه راهی برای بیان زیبایی و تمرکز ذهن بوده بنابراین هیچ وقت در پی نام آوری نبوده است. هر خطی که با دقت و حوصله می نویسد، نه فقط کلمه ای بر کاغذ است، بلکه لحظه ای از زندگی او و عشقی است که به هنر دارد.

آموختن هنر، زمان می خواهد

بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی، دوباره راهی انجمن خوش نویسان مشهد شد و آموزش هایش را از سر گرفت: «خوش نویسی از آن هنرهایی است که زمان می خواهد. نمی توان در مدت کوتاه آن را آموخت و اگر کسی دل و علاقه نداشته باشد، همان ابتدای مسیر آن را رها می کند.»

محدثه که در این سال ها توانسته بود در خط نستعلیق پیشرفت چشمگیری داشته باشد، در آزمون های کتابت و چلیپا شرکت کرد و خوش درخشید: «در آزمون کتابت باید با قلم ریز چند سطری متن را به خط نستعلیق بنویسیم. اما در آزمون چلیپا دوبیت شعر به شکل مورب نوشته می شود.»

بعد از گرفتن گواهی نامه ممتاز و فوق ممتاز نستعلیق، تصمیم گرفت خط شکسته نستعلیق را هم یاد بگیرد: «باتشویق محمود نامجو، استاد نستعلیق، به استاد علی اکبر رضوانی معرفی شدم تا خط شکسته را بیاموزم. از همان ابتدا جذب اخلاق و منش استاد رضوانی شدم؛ شیوه ای که هنرجویان را با صبر و دقت راهنمایی می کرد و هر نکته اش درس و الهام بخش برای ما بود.»

سکوت معنادار استاد

محدثه خاطره ای جالب از حضورش در کلاس استاد رضوانی دارد: «به یاد دارم یک روز استاد، بر اساس خط هنرجویان، ویژگی های هر کدام از ما را می گفت، اما آن روز چیزی درباره من نگفت. فکر می کردم درگیر شده بود و از طرفی روی این رانداشتم که از او سؤال کنم.» او بادل تنگی و ناراحتی به خانه برگشت و مدام با خودش فکر می کرد که یعنی من یک ویژگی خوب هم ندارم؟ یا خطم آن قدر ضعیف است که استاد چیزی درباره ام نگفت؟

محدثه تعریف می کند: خیلی ناراحت بودم و جلسه بعدی هم به کلاس نرفتم؛ مدام در اتاقم تمرین می کردم و گاهی هم اشکی از چشمم می ریخت. کم سن و سال بودم و این موضوع برایم خیلی اهمیت داشت.

جلسه بعد، با تعدادی از بزرگ های تمرینش، دوباره به کلاس رفت و از پشت سر استاد، یکی از بزرگ ها را روی میز گذاشت:

«استاد که خط من را دید، با صدای بلند تعریف کرد و پرسید: این اثر کیست؟ درجا با خوشحالی گفتم کار من است. آنجا کمی دل و جرئت پیدا کردم و از او پرسیدم که هفته پیش، چرا هیچ ویژگی از من نگفته است.» استاد به محدثه گفت که تنها یک دلیل داشته است: او نمی خواسته محدثه احساس غرور کند، چون غرور می توانست در روند یادگیری اش تأثیر بگذارد.



مرتضی رهروان خاطرات شیرینی از قد کشیدن در خیابان اُحد ۷ دارد

غوطه خوری در محله پروین



ایستگاه اول



همه اهالی محله واز جمله ما در خانه مان گوسفند پروار (چاق) می کردیم. مرغ و خروس هم که تا دلتان بخواهد، هر خانه پرورش می داد. یکی از کارهای ما بچه ها چراندن گوسفندان و دانه دادن به مرغ و خروس ها بود. گاهی آن هارا به زمین های جنگلی که نزدیک فرودگاه بود، می بردیم.

سمیرا منشادی | مرتضی رهروان چهل و یک ساله از زمانی که چشمش را باز کرد، در محله پروین اعتصامی زندگی می کرد. پدر مرحومش، حبیب... رهروان، سال های خشک سالی از روستایشان در قائن به مشهد آمد و در این محله ساکن شد. آقا مرتضی و نشش خواهر و برادرش در همین محله متولد شده اند و حالا شصت سال از سکونت آن ها در خیابان اُحد ۷ می گذرد. این خانواده از قدیمی های محله هستند و با بیشتر همسایه ها در ارتباط اند. مرتضی رهروان و خانواده اش پیشرفت محله شان را دیده اند. حالا آقا مرتضی همراهان شده است تا خاطراتش را از کوچه پس کوچه های محله با ما در میان بگذارد.

ایستگاه دوم

آن موقع که از بوستان ریحانه خبری نبود، جایش فقط زمین های خالی و بایر بود. روبه روی این بوستان، موتور آبی بود که دور تا دور آن را آجر چینی کرده بودند و هنوز هم هست. آن روزها استخر کم بود و برای ما دور از دسترس. به همین دلیل، تابستان ها با بچه ها اینجا می آمدیم تا شنا کنیم یا به قول خودمان غوطه بخوریم.



ایستگاه سوم

ایستگاه چهارم

بولوار فرودگاه مانند حالا رفت و آمد نداشت. اهالی به ویژه ما جوان ترها، برای گذراندن اوقات فراغت به این بولوار می آمدیم و فوتبال بازی می کردیم. پیرمردی با گاری این حوالی می ایستاد و با سماور زغالی چای آتشی و چای دارچینی درست می کرد و می فروخت. بعد از بازی، چای حسابی می چسبید.



ایستگاه پنجم



همه ما بچه های دهه ۶۰ تجربه شاگردی در تابستان هارا داریم. من چند تابستان در نانوایی محله مان که متعلق به محمد سالاری بود، کار کردم. حالا سال هاست که نانوایی نبش خیابان شهید تونی ۶ به شخص دیگری واگذار شده است.

از دوران کودکی با آقا غلامحسین دوست هستیم. پدر مرحومش، جانعلی سلامی، پایه گذار هیئت قدیمی محله مان، «حسینییه عشاق حضرت مهدی (عج)» بود. دهه ۷۰، مقابل خانه شان داربست می بستند و اهالی برای عزاداری می آمدند. ظهر عاشورا مرحوم سلامی، شله درست می کرد و حالا که او فوت کرده است، پسرش راه پدر را ادامه می دهد.

یکی از بازی های مادر دوران کودکی تیله بازی یا به قول خودمان «توشله بازی» بود. از خانه که بیرون می آمدی، می دیدی کنار هر دیوار یا زمین خالی، چند پسر دور هم جمع شده اند و در حال تیله بازی هستند. یا توق ما اینجا در کنار این دیوار بود. زمستان ها هم در تین های حلبی روغن، آتش درست می کردیم و خودمان را گرم می کردیم.





تدریس علی جمعه باقری در روستا

معلم بازنشسته محله انقلاب، از روزهای پرتلهاب دبیرستان و قبولی در کنکور می‌گوید

در سنگر جبهه و دانشگاه



صندوق
خاطرات

سمیرا منشادی | علی جمعه باقری پیش از آنکه معلم بازنشسته محله انقلاب باشد، نوجوانی روستایی در اوارشک بود که در اتاقی ساده، کنار بخاری نفتی و زیر نور کم جان چراغ درس می‌خواند. او میان کار و درس برای فردای خود جنگید. سال‌هایی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و صدای توپ و خمپاره حاشیه تمام درس‌ها بود، او بارها رفتن جوانان روستا به جبهه را دید تا روزی که خودش هم گفت: «نوبت من است.» در شانزده سالگی، امدادگر شد و به سرمای کردستان قدم گذاشت؛ با کتاب‌های درسی که همسفر لباس رزمش بود.

اما قصه او فقط در جبهه نوشته نشد؛ بخشی از آن روزی رقم خورد که در تابستانی داغ، با داستان لرزان، دو نامه برای امام علی^(ع) و امام رضا^(ع) نوشت و میان صفحات قرآن پنهان کرد و در آن، از آرزویی نوشت که سال‌ها بعد ثمر داد.

● درس خواندن در میان توپ و تانک

علی آقا سال ۱۳۶۶، یعنی زمانی که شانزده سال داشت، به رزمندگان پیوست. ابتدا در بسیج روستا عضو شد، سپس یک ماه دوره آموزش امدادگری را گذراند. آذرماه به مناطق سردسیر کردستان اعزام شد و در همان سال در عملیات بیت المقدس شرکت کرد. علی جمعه باقری در زمان‌هایی که فرصت داشت، در جبهه درسش را هم می‌خواند. بعد از چهار ماه که به خانه برگشت، چون تشنه ادامه تحصیل بود، در دبیرستان شریعتی که دوره‌های مخصوص رزمندگان را برگزار می‌کرد، ثبت نام کرد تا

کلاس دوم دبیرستان را به پایان برساند. باقری از آن روزها این گونه یاد می‌کند: بیشتر از ۶ درس به رزمندگان ارائه نمی‌کردند، اما برای اینکه از دوستانم عقب نمانم، شانزده درس را با اصرار برداشتم. با جدیت زیاد درس را خواندم و توانستم مهر همان سال به کلاس سوم دبیرستان بروم. هدف علی قبولی در کنکور بود و برای آن زحمت زیادی کشید. درس خواندن همراه با کار، روزها و لحظه‌های سختی را در ذهنش حک کرده است، تا جایی که حتی با یادآوری شان تلاش و کوشش خود را تحسین می‌کند. روزهای سخت کنکور و دردسترس نبودن امکانات، همان چیزی است که این مرد سخت‌کوش را به مقایسه شرایطش با شرایط نوجوانان امروزی می‌کشاند.



● مزد زحمت‌هایم را گرفتم

باقری می‌گوید: شبانه روز درس می‌خواندم و می‌خواستم پزشکی قبول شوم. در همان روزهای کش دار و گرم تابستان که منتظر اعلام نتایج کنکور بودم، دو نامه نوشتم؛ یکی خطاب به امام علی^(ع) و دیگری خطاب به ولی نعمتمان امام رضا^(ع). آن دو نامه را هم گذاشتم بین صفحه‌های قرآن. در آن نامه از بی مادر شدنم، از سختی‌هایی که کشیده بودم و از کار و درس خواندنم گفتم. نوشته بودم: خداوند می‌گوید از شما حرکت، از من برکت. دوبرابر توانم زحمت کشیدم. امیدوارم که شما ائمه^(ع) هم تلاشم را ببینید و عنایتی کنید.

روزی که نتایج اعلام شد، روزنامه خرید و به سمت حرم امام رضا^(ع) رفت. چشمش که به گنبد و گلدسته‌های نورانی علی بن موسی الرضا^(ع) افتاد با خودش گفت: امیدم به شماست. چهل بار «یا حسین^(ع)» گفت و روزنامه را ورق زد. اسمش را که دید در رشته تربیت معلم دانشگاه شهید بهشتی مشهود قبول شده است، از ته دل خدا را شکر کرد و به پهنای صورت اشک ریخت. بعد از اتمام دوره کاردانی و کارشناسی، مدرک کارشناسی ارشد در رشته کشاورزی گرفت و سال گذشته از آموزش و پرورش بازنشسته شد. او آن نامه و حس و حالش جلوگنبد امام رضا^(ع) را هیچ وقت از خاطر نمی‌برد.

نوجوان محله امام خمینی^(و)، از علت علاقه اش به حفظ قرآن می‌گوید

شیفته قصه‌های پدر

دید، تصمیم گرفت او هم قرآن را حفظ کند. او در حال حفظ جزء سی است.

● چطور قرآن را حفظ می‌کنی؟

صوت قرآن را با صدای استاد منشاوی گوش می‌دهم و خط می‌برم؛ آن قدر این کار را تکرار می‌کنم که به طور کامل حفظ شوم.

● برای پیش آمده ناامید بشوی و با خودت فکر کنی دیگر نمی‌توانی ادامه بدهی؟

بله. بارها پیش آمده است. یک مرتبه اش را خوب به خاطر دارم. کلاس پنجم بودم و آیه‌ای که در حال حفظ آن بودم، خیلی طولانی بود. هرچه صوت را گوش می‌دادم فایده نداشت. حفظ نمی‌شدم. خسته شدم. قرآن را بیستم وزدم زیر گریه.

● چه شد ادامه دادی؟

پدرم به کمکم آمد. اجازه داد آرام شوم. وقتی حالم بهتر شد آن آیه‌ای را که برای حفظش با مشکل مواجه شده بودم، با معنی برایم خواند. کمک کرد باتوجه به معنی کلمات آن را حفظ کنم.

● برای تثبیت چه کار می‌کنی؟

من ۲۳ جزء را حفظم. استادم محمد حسین یزدانی گفته است باتوجه به جزء‌های حفظ شده باید تکرار داشته باشم. هر روز یک سوم آیاتی که حفظ کردم را مرور می‌کنم تا فراموش نکنم. صفحه به صفحه هم آیات جدید را حفظ می‌کنم.

● چشم‌اندازت برای حفظ کل قرآن چگونه است؟

طبق برنامه تا آخر امسال باید به طور کامل قرآن را حفظ کنم.



● قرآن در زندگی روزانه‌ات چه تأثیری داشته است؟

وقتی به معنی آیاتی که می‌خوانم، فکر می‌کنم، سعی می‌کنم در زندگی روزمره‌ام رعایتشان کنم.

● کدام آیه بیشتر تو را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

آیاتی را که درباره نیکویی به پدر و مادر است، خیلی دوست دارم.

● توانسته‌ای کسی را به حفظ قرآن علاقه‌مند کنی؟

بله. پدرم وقتی پشتکار من را

در بهشت به او داده می‌شود.



● چرا برای حفظ، اول جزء سی را انتخاب می‌کنند؟ چون راحت‌تر است؟

نه اتفاقاً سخت‌تر است، اما چون سوره‌های این جزء کوتاه است، حافظ، انگیزه بیشتری برای ادامه دادن پیدا می‌کند.

● تو هم سوره به سوره حفظ می‌کردی؟

نه. من اوایل از سه خط و پنج خط شروع کردم و به مرور صفحه به صفحه حفظ می‌کردم.

● گفتی به توصیه پدرت به حفظ علاقه‌مند شدی؟

بله. پدرم روحانی است. وقتی کوچک بودم، قصه‌های قرآنی برایم تعریف می‌کرد و از خوبی‌های حفظ می‌گفت.

● مثلاً چه می‌گفت؟

می‌گفت در احادیث آمده است که هر کسی یک آیه قرآن را بخواند، یک طبقه





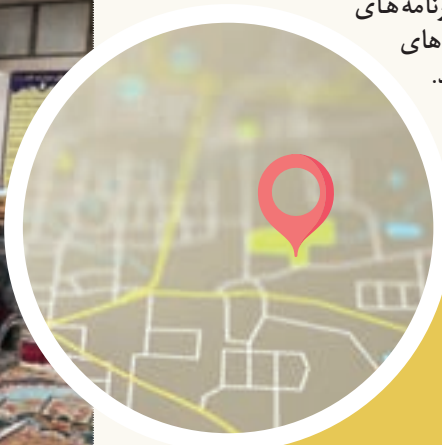
یکی از نمازگزاران و قدیمی‌های محله ما، آقای محمدرضا لنگران، مدتی بیمار است. هفته پیش از طرف بسیج مسجد حضرت جواد الائمه(ع) به دیدارش رفتیم. او از عیادت‌مان خیلی خوشحال شد. وقتی دور هم جمع شدیم، به این فکر کردیم که زندگی آپارتمانی نباید باعث شود از هم بی‌خبر باشیم.

تصویر و متن از حسین رحمانی، محله امام رضا(ع)



ما به دبستان فغفور مغربی دعوت شدیم تا در افتتاح گلخانه آنجا شرکت کنیم. فکر نمی‌کردم این قدر از حضور در فضای مدرسه حس خوبی داشته باشیم. دانش‌آموزان برنامه‌های شاد و متنوعی اجرا کردند و از دست ساخته‌های دانش‌آموزان هم بازارچه‌ای برپا کرده بودند.

تصویر و متن از محمدرضا نوروزی، رئیس شورای اجتماعی محله عنصری



محله به روایت شما

وقتی بازی فوتبالی دربی رادسته جمعی نگاه کردیم، تازه فهمیدم تا حالا از تماشای فوتبال هیچ لذتی نبرده بودم. بزرگ‌ترهای مسجد حضرت ابوالفضل(ع) به ما اجازه دادند این بازی را دور هم تماشا کنیم.

تصویر و متن از جواد حسینی، محله شهید بهشتی



در مراسمی صمیمی و ساده، از خیران و حامیان مرکز نیکوکاری و کارآفرینی «سفیران شهر بهشت» تقدردانی کردیم. آقای خسروی یکی از این حامیان است که نقش مهمی در حمایت از خانواده‌های نیازمند و پیشبرد برنامه‌های توانمندسازی آنان دارد.

تصویر و متن از علیرضا صداقت، مدیر سفیران شهر بهشت، محله مقدم



مراسم هفتگی هیئت کودکان و نوجوانان مسجد حمزه سیدالشهدا(ع) هفته گذشته به وفات حضرت ام‌البنین(س) اختصاص یافت. برای بچه‌ها برنامه‌های سرگرم‌کننده متناسب با این مناسبت اجرا کردیم تا بچه‌ها سرگرم شوند و مادرانشان بتوانند عزاداری کنند.

تصویر و متن از الهام غفاریان، محله انقلاب